

تکبرگی راه کارگر

روزنامه سیاسی هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سردبیر: ارژنگ بامشاد پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۰-۲۴ ژانویه ۲۰۰۲ شماره ۱۳۸

کج و تخته پاکن سلاحی کارساز

در برابر سرکوبگران

فمینیزه کردن دستگاه

حکومت اسلامی؟

حمیلا نیسگیللی

حضور دو زن در کابینه دولت افغانستان، نمکی بود که بر زخم زنان اصطلاح طلب حکومتی پاشیده و بار دیگر افکار محافلی را که موانع حضور زن در جامعه ایران را دنبال می کنند، به خود مشغول داشته است.

واقعیت وجود شرایط غیرانسانی برای زنان در ایران، دیگر چیزی پنهان گردنی نیست. آداب و سنن، و نگرش های تحقیرآمیز نسبت به زنان با تسلط حکومت آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی، مورد حمایت و پشتیبانی قانونی قرار گرفته اند. درصد قبولی بالای شصت درصدی دختران در کنکور دانشگاه ها، حضور فعال زن نویسنده، کارگردان، زنان هنرمند، زنان شاغل در مدرسه و بیمارستان، در کارخانه و دانشگاه و غیره، نتوانسته از سبعت قوانین و جامعه نسبت به زن بکاهد.

بدون شک این تلاش ها که به قیمت از خود گذشتگی و تحمل مصائب و نامالایمات زندگی سوز و روزانه اکثریت این زنان انجام گرفته، نقش بزرگی در رشد خودآگاهی و هویت یابی زنان بازی کرده و تأثیر مثبت آن را در تحکیم و تقویت جنبش زنان باید بعینه دید. اما چرا این همه رشد کوچک ترین تأثیری در وضعیت حقوقی آنان نداشته است؟

جداسازی جنسی هم چنان برقرار است؛ قوانین خانواده کوچک ترین تغییری نیافته است؛ حجاب اجباری کماکان برپاست؛ اکثریت عظیم دختران و زنان کشور از هرگونه فعالیت ورزشی محرومند؛ دختر بچه نه ساله را به عقد رسمی در می آورند؛ قوانین ارث بر جای خود باقی است؛ حق شهادت در بسیاری از محاکم از زنان سلب شده چه برسد به قضاوت و گوش سپردن به آواز زنان جز با تن دادن به گناه ممکن نیست! آیا در چنین جامعه ای می توان از فمینیزه کردن دستگاه حکومتی دفاع کرد؟

بقیه در صفحه ۳

سارا محمود

دانش آموز در مدارس بازی می کند. دستگاہی که به حق مورد نفرت عمیق معلمان و دانش آموزان کشور است. نقش این دستگاه را "شمس" دبیرکل "خانه معلمان" که تشکلی وابسته به جناح تمامیت خواه است، در جریان منازعات اخیر دو جناح و اوج گیری اعتراضات معلمان چنین بیان کرد: «امور تربیتی یادگار شهیدان رجایی و باهنر است که در راستای ایجاد انقلاب فرهنگی مطرح شد و انصافاً نقش برجسته ای هم در راه مقابله با تهاجم فرهنگی و بسیج دانش آموزان برای حضور در جبهه های جنگی ایفا کرد»- رسالت ۲۶ دی ماه ۸۰

آن چه اعتراض جناح تمامیت خواه را برانگیخت طرح "حاجی" وزیر آموزش و پرورش برای حذف معاونت امور تربیتی و تغییر ساختار آموزش و پرورش بود. مرتضی حاجی یار غار خاتمی و تنها وزیر کابینه سازش است که با رضایت کامل جناح تمامیت خواه برگمار نشد. جناح تمامیت خواه قصد ندارد که دستگاه سرکوب ایدئولوژیک در مدارس را تضعیف کند: (می خواهند سنگرهای حساس در آموزش و پرورش را از بین ببرند و بهانه ای است برای این که افراد حزبی بتوانند محیط آموزش و پرورش را سیاسی کنند. در حال حاضر مربیان تربیتی در صف اول مقابله با این روند قرار دارند و اجازه سیاسی و حزبی شدن عرصه مدارس را به سیاسیون نمی دهند- شمس - همان جا)

علی رغم نفرت عمیق معلمان و دانش آموزان از امور تربیتی، برنامه حاجی وزیر آموزش و پرورش در میان آن ها با واکنش وسیعی روبرو نشد، به دو دلیل: اول- بی اعتمادی بر حق معلمان به جناح اصلاح طلب بر اساس تجربه عملی، دوم- طرح های اداری و سیاسی جناح اصلاح طلب با ایده مطلوب کردن جمهوری اسلامی برای سرمایه داری و در متن یک برنامه اقتصادی مبتنی بر تعدیل ساختاری صورت می گیرد. در انطباق با این برنامه است که دولت خاتمی در طرح بودجه خود با افزایش ۲۵ درصدی حقوق معلمان - که تازه حقوق آن ها را از سطح زیرخط فقر خارج می کند، مخالفت کرده و پاداش و مزایای آن ها را حذف می کند. امری

بقیه در صفحه ۲

پرچم پیکار هر روزه مردم، برای آزادی و عدالت و رهایی از حکومت اسلامی در هفته های اخیر به دست قشری بلند شده است که صاحب جایگاهی مهم در جامعه و احترامی عمیق در قلب ایرانیان هستند. جامعه معلمان ما مثل بقیه اکثریت مردمان بار فشاری دوگانه را به شانه دارند: اول فشار سرکوب حقوق شهروندی و آزادی، دوم فشار بی عدالتی و ستم گری اقتصادی. اما این فشارها به علت نقش ویژه آن ها در جامعه ابعاد عظیم و عواقبی وخیم پیدا می کند و معلمان به عنوان قشری فرهیخته ابعاد این فاجعه را به خوبی درک می کنند و درد می کشند. محرومیت حقوقی معلم زیر سرکوب سیاسی و فرهنگی فقط یک محرومیت فردی از حقوق شهروندی نیست. به عنوان معلم او وظیفه نه فقط آموزش بلکه پرورش و تربیت نسل آتی را برعهده دارد. یعنی در برخورد روزمره به نیازهای کودکان و نوجوانانی که تعلیم می دهد، ارزش های اجتماعی و فرهنگی گذشته را زیر چکش زمانه صیقل داده و هم راه با نسل جدید فرهنگ نو را شکل می دهد. سرکوب سیاسی و فرهنگی او را از این وظیفه باز می دارد؛ حرمت شغلی اش را خدشه دار می کند و محرومیت شخصی اش را به محرومیت نسل جدیدی که تربیت می کند و محرومیت کل جامعه تبدیل می نماید. محرومیت اقتصادی که او را حتی از آموزش مکانیکی باز می دارد، ابعاد این فاجعه را دوچندان می کند.

جمهوری اسلامی بلافاصله پس از انقلاب تلاش کرد با پاک سازی های گسترده و استخدام نیروهای وابسته و اعمال مقررات شدید جامعه معلمان را به ابزار سرکوب فرهنگی تبدیل کرده و آن ها را وادار کند به جای نوسازی فرهنگی، فرزندان کشور را به ژرفای واپس گرایی قرون وسطایی فروکشاند؛ اما اکثریت معلمان ایران طی بیش از دو دهه علی رغم تحمل محرومیت اقتصادی از تسلیم به توقعات رژیم برای سرکوب فرهنگی کودکان و نوجوانان سر باز زدند. در نتیجه رژیم مجبور شد یک دستگاه عریض و طویل به نام امور تربیتی ایجاد کند که نقش اطلاعاتی و چماق را هم علیه معلم و هم علیه

بیانیه مطبوعاتی:

تربیتونال بین المللی علیه

جنایات

جمهوری اسلامی ایران!

در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۱ گج و تخته پاک کن

که حکم آخرین قطره برای سرریز شدن کاسه صبر معلمین را داشت و معلمین تهران را در اعتراض به عدم بهبود وضع معیشتی خود به تجمع در برابر دفتر مرکزی آموزش و پرورش در شرق تهران در دهم دی ماه ۸۰ کشاند و به دستگیری ده ها معلم توسط مأموران رژیم منجر شد.

خواسته های معلمین، در میان بالایی ها و در منازعات دو جناح به ایرادگیری ها از یک دیگر برای کسب امتیازات و تصاحب قدرت بیشتر در دستگاه آموزش و پرورش و دولت تبدیل شده است. هر دو جناح رژیم تلاش می کنند هم جنبش معلمان را کنترل کرده و هم از آن علیه جناح رقیب بهره برداری کنند. "سازمان معلمان شهر تهران" وابسته به جناح اصلاح طلب با مشاهده جوشش معلمان و برای گشودن دریچه اطمینانی که فشار را کاهش دهد و نیز برای پیش دستی بر جناح رقیب، جهت گردهم آیی اعتراضی در مرکز تربیت معلم تهران در روز سه شنبه ۲۵ دی ماه فراخوان می دهد، جناح تمامیت خواه ضمن اعتراض به این اقدام نهادهای وابسته به جناح اصلاح طلب، خود گردهم آیی معلمان را با فراخوان "جبهه متحد فرهنگیان" علیه دولت و سیاست های اقتصادی آن در روز جمعه ۲۸ دی ماه سازمان می دهد.

آیا تحرکات جناح های رژیم و مداخلات آن ها برای کنترل یا استفاده ابزاری از جنبش معلمان این جنبش را از مفهوم مردمی خود تهی می کند؟ به هیچ وجه. تردیدی نیست که این ظرفیت درونی جنبش و خطر جوشش ناگزیر آن است که جناح های رژیم را به تکاپو واداشته، و آن ها را وادار کرده که در کنار روال سنتی خود یعنی نزاع و چانه زنی در بالا به این روش هم متوسل شوند.

البته تلاش جناح ها برای وابسته کردن جنبش معلمان چنان که جنبش دانشجویی نشان داد. خطر بزرگی برای جنبش است، اما با حرکت از مبدا استقلال جنبش می توان ترفند جناح ها را به عکس خود تبدیل کرد و اختلاف جناح ها را به ابزاری برای گسترش جنبش تبدیل نمود. جنبش معلمان حداقل تا این جا نشان داده است که در عرصه پیکار اجتماعی هم مثل عرصه شغلی، آموزگار خوبی برای سرمشق دادن بوده است به این ترتیب که:

اولاً- معلمان فعالیت خود را از خواست های بی واسطه و فوری خودشان آغاز کرده اند: رفع تبعیض و تأمین عدالت. و بعلاوه خواهان آن هستند که تأمین مطالبات رفاهی بازنشسته گان را نیز شامل شود. این محور می تواند انبوه عظیم معلمین را که اکنون به زیر خط فقر رانده شده اند و از زحمت کش ترین اقشار مزدبگسیر کشور و زیر ضربه ی طرح های

اقتصادی دو جناح هستند جلب کند و پایه اجتماعی آن را گسترش دهد. ثانیاً- معلمان در عین آن که از تضادهای دو جناح سود برده و از فراخوان آن ها برای ابراز اعتراض استفاده کرده اند، اما از همین آغاز خود را به مقررات و مطالبات آن ها محدود نکرده اند، هم از محدودیت زمانی و مکانی آن ها فراتر رفته اند و هم مطالبات خود را بی آن که از محور اصلی یعنی خواسته های بی واسطه به طور مصنوعی کنده شود و به طور افراطی سیاسی شود. به طرف خواسته های عمومی تر و علیه سیاست ها و نهادهای هر دو جناح جهت داده اند. ثالثاً- معلمان تلاش می کنند با استفاده از تاکتیک های هوشیارانه سایر اقشار مردم و به ویژه دانش آموزان را در کنار جنبش خود قرار دهند.

با این تاکتیک ها معلمین تاکنون موفق شده اند هم در افکار عمومی تأثیر مثبتی بگذارند و هم آن قدر نیرو برای هر اعتراض خود فراهم کنند که خودجوش بودن جنبش آن ها را غیرقابل انکار گردانند. به طوری که خود تجمع های وابسته فراخوان دهنده اقرار کرده اند که وقتی تجمع ها از زمان و مکان مقرر توسط آن ها فراتر رفته و "غیرقانونی" شده، عده تظاهر کنندگان به دو و سه برابر رسیده و مطالبات مردود از نظر آن ها مطرح شده است.

درست به همین جهت است که هر دو جناح رژیم آگاهانه تلاش می کنند اخبار جنبش معلمان را سانسور کرده و آن ها را کنترل شده و محدود از رسانه های شان منتشر کنند. به علاوه مأموران رژیم در همه گردهم آیی ها صرف نظر از آن که توسط نهادهای مستقل معلمین سازمان داده شده یا نهادهای وابسته به یکی از دو جناح فراخوان داده باشند، به دستگیری های گسترده دست زده اند و البته این یعنی سرکوب مستقیم خطر دیگری است که جنبش را تهدید می کند. اما همین خطر را نیز می توان به ابزاری برای گسترش جنبش تبدیل کرد و خانواده ها و آزادی خواهان در داخل و خارج کشور را برای آزادی زندانیان بسیج کرد و این وظیفه ای است نه فقط بر دوش معلمان، بلکه هم صدایی شکوه مند کارگران جنبش پیکار برای آزادی و عدالت با فرهنگیان کشورمان را می طلبد. حقیقت این است که معلمان به علت موقعیت اجتماعی و شرایط مادی حیات شان در گره گاه مبارزه برای آزادی و مبارزه برای عدالت ایستاده اند. موقعیت هم امروز آن ها نشان دهنده آن است که آزادی بدون عدالت اقتصادی و عدالت اقتصادی بدون آزادی در کشور ما دست یافتنی نیست و آن ها هم اکنون در مطالبات فوری شان این دو را به هم گره زده اند، و این یعنی شرایط مادی حیات شان آن ها را به راه حل هایی می کشاند که راه حل بیرون رفت جامعه ما از مصیبت کنونی است. پس جنبش معلمان می تواند

عامل مهمی برای هدایت جنبش رهایی از استبداد مذهبی در مسیر دموکراسی باشد. اگر معلمان این رسالت را دریابند و اگر از موقعیت کم نظیرشان، چه در رابطه با کثرت عددی شان، چه در رابطه با تماس گسترده شان با نسل جوان و نوجوان، چه در رابطه با امکان تشکلیابی و تشکلهای و سرانجام در رابطه با مضمون کیفی مسئله شان، بهره گیری کنند می توانند در پیکار آزادی خواهی هم نقش آموزگار جوانان را بازی کنند و به آن ها بیاموزند برای دفاع از حقوق خود نباید چشم به بالا یا بیرون داشت، نباید به فکر نجات دهنده بود، نباید در رویای فرصت های بزرگ آتی و دلاوری های فردا، امروز را از دست داد، بلکه باید از هم امروز صبورانه و مورچه وار در پی تشکلهای خود بود و جامعه را برای دفاع از آزادی و عدالت با این تشکلهای سنگر بندی کرد. تنها در این صورت است که نه مستبدان کنونی می توانند باقی بمانند، نه فرصت طلبان و مستبدان آتی می توانند بر گردهی جنبش ما سوار شوند.

«کارزار جهانی برای دفاع از

زندانیان سیاسی ایران»

* در شش شهر آمریکا و کانادا*

به فراخوان «فدراسیون بین المللی مجامع حقوق بشر» و دیگر تشکلهای دموکراتیک کارزارگسترده ای در هفته های اخیر برای دفاع از زندانیان سیاسی و در اعتراض به تشدید نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی به راه افتاده است. رژیم اسلامی با محاکمات غیرعلنی و قرون وسطایی حدود بیست نفر از فعالین «ملی-مذهبی» با به دادگاه فراخواندن مجدد فعالین جبهه متحد دانشجویی، با تشدید اختناق در جامعه و شکنجه در زندان ها (زندان هایی که مملو از کارگران پیشرو، دانشجویان و جوانان مبارز و روشنگران آزاده و دگراندیش است) و تلاش برای راه اندازی مجدد «ستاد قتل های زنجیره ای» می خواهد مردم زجرکشیده ایران را از فکر مبارزه برای واژگونی این حکومت جهنمی برحذر دارد. به همین خاطر فعالین اپوزیسیون و تشکلهای دموکراتیک در این راستا در تاریخ ۱۲ ژانویه در تعدادی از شهرهای اروپای غربی نظیر: پاریس حرکت اعتراضی برپانمودند. در آمریکای شمالی اما به همت گروه «تلاش برای نهادینه کردن حقوق بشر» (مهر ایران) سلسله حرکاتی در روز ۲۰ ژانویه در شهرهای لس آنجلس، واشنگتن، تورنتو، ونکوور، نیویورک و بوستون برگزار شد. در ونکوور انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی تظاهرات خاموشی به همراه افروختن شمع و توزیع اعلامیه های انگلیسی روشنگرانه در مرکز شهر سازماندهی کرد که در آن علاوه بر توضیح وضعیت زندانیان سیاسی ایران، از مبارزات پرشکوه اخیر معلمان کشورمان حمایت شده بود. لازم به تذکر است که در برخی از شهرها این کمپین به صورت مراسم سخنرانی برگزار گردید.

انجمن مهاجرین و پناهنده گان ایرانی- بریتیش کلمبیا (کانادا)

همبستگی و هماهنگی مبارزه معلمان و کارگران مبارک باد!

کارگران واحدهای مختلف تولیدی، سه شنبه ۲ بهمن در برابر مجلس شورای اسلامی و در اعتراض به عدم اجرای قانون بخشودگی های مالیاتی اجتماع می کنند..... تجمع اعتراضی هماهنگ کارگران و معلمان در روز سه شنبه که بیانگر موقعیت اقتصادی و طبقاتی مشترک مزد و حقوق بگیران و انعکاس این واقعیت در یک حرکت اعتراضی همزمان و هماهنگ است، در صورت برخورد آگاهانه پیشروان مستقل این جنبش ها می تواند سرآغاز یک تحول با اهمیت در تقویت پیوند مبارزات اقشار و طبقات زحمت کش جامعه باشد.

در شرایط کنونی دو جناح حکومتی هرکدام سعی دارند که به شیوه خود ضمن کنترل این حرکات اعتراضی آن را در جهت منافع خود مهار کنند. جناح انحصار طلب با تلاش برای حبس شعارهای حرکات اعتراضی کارگران و معلمان در محدوده صنفی و کنترل آن در مجاری قانونی، ریاکارانه می خواهد وضعیت فلاکت بار اقتصادی را ناشی از تاکید اصلاح طلبان بر تقدم توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی قلمداد کند تا هم جنبش آزادی خواهانه مردم را مهار کند و هم باتداوم رانت خواری اقتصادی حکومت گران، فلاکت اقتصادی را تشدید کند. جناح اصلاح طلب نیز که مدت ها است از هراس فراتر رفتن مطالبات آزادی خواهانه مردم از چهارچوب نظام به سازش و مماشات با جناح انحصار طلب پرداخته و به سد پیشروی جنبش نافرمانی مدنی و به سپر جناح تمامیت خواه در برابر این جنبش تبدیل شده، نه تنها توسعه سیاسی را با شکست روبرو ساخته بلکه جنبش اقتصادی کارگران مزد و حقوق بگیر که بازوی مهم دیگر جنبش نافرمانی توده ای است را نیز می خواهد دچار فلج سازد.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، با استقبال از هم آهنگی و پیوند مبارک اعتراضات معلمان و کارگران در تهران، امیدوار است که این نمونه به سرعت در سراسر کشور گسترش یابد و جنبش کارگران و زحمت کشان مزد و حقوق بگیر با طرح شعارهای عمومی و مشترک و رشد مبارزه و تلاش برای پایه ریزی تشکلهای مستقل که ضامن تداوم جنبش توده ای در راه آزادی و برابری است، با گام های استوار به سوی دفن استبداد و فلاکت پیش تازد.

در خارج از کشور نیز ضروری است که ایرانیان آزادی خواه با برگزاری آکسیون های حمایتی و تماس با مجامع فرهنگی، اتحادیه های کارگری و معلمی خارجی، به هر طریق ممکن در انعکاس جنبش اقتصادی و آزادی خواهانه کارگران و زحمت کشان مزد و حقوق بگیر ایران، تلاش کنند.

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی
ایران (راه کارگر)

۲ بهمن ۱۳۸۰ - ۲۱ ژانویه ۲۰۰۲

دنباله از صفحه ۱ فمینهزه کردن.....

فمینهزه کردن اجتماع و حضور روزافزون زنان در عرصه های مختلف اجتماعی و فعالیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بدون شک تنها راه غلبه بر عقب ماندگی های ذهنی جامعه نسبت به زن و دست یافتن به جامعه ای سالم و متعادل است. ولی به فمینهزه کردن دستگاه حکومتی امید بستن که اعمال آپارتاید جنسی را سرلوحه سیاست خود اعلام کرده، آب در هاون کوبیدن است. تا زمانی که جداسازی جنسی برقرار است، یعنی از اکثریت عظیم دختران و زنان، استفاده از همین حداقل امکانات اجتماعی موجود سلب شده است، فمینهزه شدن دستگاه های تصمیم گیری، کمکی به حل معضل زنان نخواهد کرد. قوانین جمهوری اسلامی در تعریف از جایگاه زن روشن تر از آن است که بتوان در چارچوب آن امید به تغییری را در دل پروراند. قانون اساسی صراحت به تابعیت قانون از قوانین اسلام دارد و تعریف از قوانین اسلام نیز اکنون بیش از هزارو ششصد سال است که مورد بحث است. از همان سال های ابتدای قدرت گیری پیغمبر اسلام از آن تعریف های متعددی شده است. دعوا فقط به دعوای شیعه و سنی ختم نمی شود. از معتزلی و قدری و مرجئی گرفته تا کسانیه و زیدی و امامی و صد ها فرقه دیگر روی تفسیر از آن با هم جنگیده اند. محققان تاریخ اسلام قطعاً می توانند این لیست را با دقایق کامل کنند. این تنها دعوای امروز بین خزعلی ها و مصباح یزدی ها با به اصطلاح فقه پویا در ایران نیست. و البته این اختلاف نظر در تعاریف نه منحصر به دین اسلام است و نه تنها به ادیان محدود می شود. هر قانونی که خود را در چارچوب ایدئولوژی متعهد بنامد، در اجرای آن همین مصیبت تعریف و تفسیر را با خود خواهد داشت. این است که هرگونه تغییری در قوانین مربوط به زنان هنگامی امکان پذیر است که قید تابعیت از اسلام از کتاب قانون برداشته شود. و البته نیاز به یادآوری نیست که هیچ کدام از فرق فکری کنونی اسلام در ایران در طی حاکمیت جمهوری اسلامی اصل لزوم اجرای جداسازی جنسی را که پایه سیاست آپارتاید جنسی حکومت است، مورد سؤال قرار نداده است.

نگاهی به صفحات نشریات پر تیراژ در جمهوری اسلامی نمایان گر جا افتادن بسیاری از نگرش ها و دیدگاه های تحقیرآمیز نسبت به زنان است. همشهری اصلاح طلب، در دوشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۸۰، زنان در هزاره سوم را تصویر می کند و در داعیه دفاع از حقوق زن، از اجحافات که به زنان بی سرپرست و یا خود سرپرست نامیده، انتقاد می کند. ولی به ذهن نویسنده خطور نکرده است که به کاربردن اصطلاح "زن بی سرپرست" و یا "زن خود سرپرست" هر دو به معنای تحقیر زن و مهجور و دیوانه دانستن آن است که بنا به قانون جمهوری اسلامی باید تحت قیمومیت دولتی قرار گرفته و از این زاویه مورد حمایت قرار گیرند. قانونی که وجود هر مردی در یک خانواده را، علی رغم توانایی ها و ناتوانی هایش، به صرف

تک برگی راه کارگر

نرینه بودن، به عنوان سرپرست خانواده به رسمیت می شناسد و حضور میلیون ها زن نان آور خانه را نادیده گرفته و به صرف نبود نرینه ای در کنار آنان، آن ها را خانواده بی سرپرست می نامد که به علت ناهم خوانی این اصطلاح قانونی جمهوری اسلامی با واقعیات جامعه، رفرمیست های مذهبی اصطلاح "خودسرپرست" را به آن افزوده اند. چون زنان در هر حال باید سرپرستی در جامعه داشته باشند!

با این احوال پیداست که زنان بال و پر بریده مدافع نظام، قدرت کوچک ترین پرواز را نداشته باشند. هرچند حضور وزیر زن در کابینه اکنون چون تابویی است که خاتمی نیز از ریسک آن حذر کرده، ولی حکومتی که حاصل مقاومت زنان را در مقابل سرکوب به حساب جاری خود در مجامع بین المللی وارد می کند، و با ذکر تعداد زنان کارگردان و هنرمند و یا درصد بالای قبولی دختران در دانشگاه در پی کسب مشروعیت برای خود است، شاید برای جور کردن ویتربین خود، حضور یک زن را در کابینه کردن نهد ولی قطعاً کوچک ترین تغییری در تعریف جایگاه زن در مقابل مرد، که "ریاست" در خانواده به عهده دارد را بر نمی تابد. این نقطه اشتراک و پیوند بینشی حاکمان جمهوری اسلامی از ابتدای قدرت گیری تاکنون بوده است. تلاش زنان اصلاح طلب حکومتی در این دوره در مقابل چشمان مان قرار دارد. دفاع رقت بار آنان را از حقوق زن دیده ایم. لایحه بالا بردن سن ازدواج دختر بچه گان به پانزده سال کماکان روی دست شان مانده است. و طنین آن هشدار خانم کولایی در مجلس که عواقب خطرناک افزایش قبولی دختران در دانشگاه ها را به نمایندگان گوش زد می کرد، هنوز در گوش های مان باقی است. به این نان خورهای دولتی در سطح وزیر نیز افزوده شود کمکی به تغییر نگرش جامعه نسبت به زن نخواهد شد. زن وزیر و وکیلی که خود را چنان تعریف کند که چون مهجوران به سرپرست نیاز دارد، چه کمکی به تغییر قوانین زن ستیز و نگرش های تحقیرآمیز موجود می تواند بکند؟ خانه از پای بست ویران است.

کمک مالی آی-اف پاریس ۱۳۰ یورو

((رادیو برابری))

((رادیو برابری)) تریبونی است برای اطلاع رسانی، برای شکستن دیوار سانسور و اختناق و انعکاس صدای همه کسانی که در ایران امروز برای آزادی و برابری تلاش و مبارزه می کنند.

برنامه های ((رادیو برابری)) هر روز ساعت هشت و نیم شب به وقت تهران برابر با هفت بعدازظهر به وقت اروپای غربی بر روی فرکانس ۷۴۸۰ کیلوهرتز ردیف ۴۱ متر پخش می شود. برنامه های ((رادیو برابری)) هم زمان از طریق اینترنت در همه نقاط دنیا قابل دریافت است. آدرس سایت برابری www.radiobarabari.net می باشد.

بیانیه مطبوعاتی: تریبونال بین‌المللی علیه جنایات جمهوری اسلامی ایران!

معلمان و کارگران اتحادات

مبارک‌باد!

روز سه‌شنبه ۳ بهمن‌ماه ۱۳۸۰، هزاران معلم و کارگر تهرانی با تجمع در مقابل مجلس اسلامی و سپس راه‌پیمایی به سوی دانشگاه تهران، اولین طلیعه‌های اتحاد برای زندگی بهتر و آزادتر را در ایران به نمایش گذاردند. علی‌رغم غیرقانونی اعلام شدن اجتماع و راه‌پیمایی معلمان از سوی مقامات حکومتی، علی‌رغم انصراف تشکلهای وابسته به هر دو جناح حکومتی و تلاش آنان برای جلوگیری از اعتراض معلمان، علی‌رغم درخواست‌های "رعایت مصالح نظام"، معلمان و کارگران آزادهی تهرانی، مصالح خود و مردم را گرامی داشته و با شعار «خود در رفاه و نعمت، ما را کند نصیحت!» «ما زیر خط فقریم مجلس خبر ندارد!»، «آقا زاده غارت می‌کند، باباش حمایت می‌کند!»، «مجلس به این بی‌غیرتی، هرگز ندیده ملت!»، «مرگ بر این زندگی، این همه شرمندگی!»، «مدعی عدالت، خجالت، خجالت!» «بیت‌المال حیاکن، هاشمی رو رهاکن!»، معلم آزاده، ذلت نمی‌پذیرد!»، «معلم! معلم! اتحاد! اتحاد!»، «درد بر معلم! سلام بر دانشجو!»، «معلم! کارگر! اتحاد! اتحاد!»، مشکل ما حل نشه با دانش‌آموز می‌آییم!»، چهره دیگری از تهران به نمایش گذاردند. چهره‌ای مصمم برای دفاع از زندگی بهتر و آزادتر و اتحاد مبارزاتی نیروی زندگی و دانش و آگاهی علیه دستگاه فاسد، نابرابر و استبدادی حاکم بر ایران. اما در این روز تهران تنها نبود، گزارشات انتشار یافته از کرمانشاه، بویراحمد، ملایر، اصفهان، تبریز، شیراز و چندین شهر دیگر، حاکی از اعتراضات و راه‌پیمایی معلمان این شهرها و درگیری‌های متعدد با نیروهای سرکوب‌گر رژیم است. بنا به برخی گزارشات تعدادی از تظاهرکنندگان توسط نیروهای ضدشورش و انتظامی دستگیر شده‌اند.

ما ضمن حمایت از اعتراضات و خواست‌های بر حق معلمان و کارگران و دیگر گروه‌های مزدبگیر در سراسر کشور و پشتیبانی از اعلام اعتراض و راه‌پیمایی و تجمع روز شنبه و یک‌شنبه آیندهی معلمان تهرانی در مقابل دفتر رهبری رژیم و ریاست جمهوری، از همه‌ی مردم ایران، خصوصاً معلمان، دانش‌آموزان، دانش‌جویان، کارگران، کارمندان و اقشار مزدبگیر دعوت می‌کنیم با پیوستن به این اعتراضات و اعتصابات سراسری و برپایی تشکلهای مستقل، به ادامه‌ی این مبارزات یاری رسانده و راه را برای ارتقاء زندگی بهتر در سایه‌ی آزادی و عدالت فراهم کنند.

کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی - ۲۳ ژانویه ۲۰۰۲
متشکل از: حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر)

و روزنامه‌نگارانی همچون: سعیدی سیرجانی، امیر میرعلایی، ابراهیم زال‌زاده، غفار حسینی، مجید شریف، محمد مختاری، محمدجفر پوینده، پروانه اسکندری، داریوش فروهر و صدها تن دیگر، و همچنین ترور، افرادی همچون بختیار، فریدون فرخزاد، قاسملو، شرفکندی، کاظم رجوی، مظلومان، غلام کشاورز، صدیق کمانگر و دهها تن دیگر در خارج از مرزها، سنگسار زنان در ملاعام، قطع انگشتان دست و گردن زدن، به‌شلاق کشیدن جوانان و اعمال مشابه دیگر، همه‌وهمه، نمایش‌هایی از ماهیت ضدانسانی این رژیم می‌باشند.

پرونده قتل‌های زنجره‌ای، برای وکلای خانواده‌ها قابل دسترسی نیست، آمربین اصلی این پرونده‌ها، در رأس حکومت، روزگار می‌گذرانند و حتی عاملین دست‌چند این جنایات نیز از زندان آزاد شده‌اند.

ما در شرایطی این میزگرد مطبوعاتی را برگزار می‌کنیم که دگرباره محاکمات ساختگی نیروهای ملی‌مذهبی در پشت درهای بسته و با نادیده گرفتن حقوق وکلای این زندانیان و بدور از هیئت منصفه و نظارت خانواده‌های ایشان، برپا شده است. بار دیگر، حشمت‌الله طبرزدی دستگیر شده است. جنبش اعتراضی معلمان که به‌خاطر احقاق حقوق صنفی خود به خیابان‌های تهران، شیراز و اصفهان به حرکت درآمده‌اند، مورد سرکوب قرار گرفته، و فعالین این جنبش، دستگیر و به نقاط نامعلوم برده شده‌اند. اعتصابات کارگران در اصفهان، شیراز، آبادان، تهران، و شهرهای دیگر برای وصول مطالبات عقب‌مانده‌شان، سرکوب، و فعالین کارگری دستگیر و بعضاً از کار اخراج می‌شوند.

روزی نیست که قوه قضائیه و شعبات آن، فرمان دستگیری، زندان، محاکمه و اعدام، صادر نکنند. محمد خاتمی که با تبلیغات پرسروصدا، خود را مدیر گفتگوی تمدن‌ها در سازمان ملل معرفی کرده بود، خود و دولتش، کمترین توجهی به خواسته‌های زنان، دانشجویان، دانش‌آموزان، روشنفکران مترقی، معلمان، کارگران و زحمت‌کشان و خانواده‌های دستگیرشدگان و معترضین ندارد. در چنین شرایطی، تریبونال بین‌المللی علیه جنایات جمهوری اسلامی ایران، تمامی احزاب، سازمان‌ها، نهادها، شخصیت‌های مترقی و بشردوست و بویژه مدافعین حقوق بشر در سراسر جهان را فرامی‌خواند تا ضمن محکوم کردن این نظام، از خواست‌های به حق و واقعی مردم ایران به دفاع برخیزند.

ما هم چنین خواهان اعزام و گسیل ناظرین بین‌المللی برای رسیدگی به وضعیت زندانیان سیاسی عقیدتی، ملاقات با خانواده‌های اعدامیان، وکلای پرونده قتل‌های زنجره‌ای، و آزادی همه زندانیان سیاسی، هستیم.

تریبونال بین‌الملل، با تکیه بر مردم ایران و آزادی‌خواهان سراسر جهان، با دردست داشتن این فیلم ویدئویی، هزاران صفحه اسناد افشاگر، پرونده محکامات برلین، بازخوانی پرونده دکتر قاسملو، دکتر بختیار، و شهادت‌ده‌ها شاهد عینی از زندانهای رژیم، با همراهی وکلای مترقی ایرانی و بین‌المللی، هم‌چنان بر تشکیل دادگاه بین‌المللی جهت محاکمه سران رژیم به جرم جنایت علیه بشریت، پای می‌فشارد.

ما امیدواریم و اطمینان داریم که به کمک همه نیروهای آزادی‌خواه، رژیم جمهوری اسلامی ایران را به محاکمه بکشانیم. ما را در انجام این وظیفه یاری دهید.

سخنگوی تریبونال بین‌المللی کامییز روستا - برلین
تلفن: ۵۵۷ ۴۴ ۳۰ ۰۰۴۹ فکس: ۲۸۳ ۲۹ ۳۲ ۰۰۴۹

جهانیان، ایرانیان آزادی‌خواه، خانواده‌های اعدامیان و زندانیان سیاسی عقیدتی، نهادهای دموکراتیک، سازمان‌های سیاسی!

با فرارسیدن بهمن‌ماه ۱۳۸۰، در آستانه پست‌سرگذشتن ۲۳مین سال حکومت اسلامی و سومین سال قتل‌های زنجره‌ای در ایران هستیم.

در روز ۲۱ ژانویه ۲۰۰۲، تریبونال بین‌المللی در کنار "اتحادیه بین‌المللی خبرنگاران - بریتانیا"، میزگرد مطبوعاتی وسیعی را برای نمایش یک فیلم ویدئویی - که در یکی از بازداشتگاه‌های اطلاعاتی نیروهای امنیتی تهیه شده - ولی تا بحال به نمایش درنیا آمده، جهت افشاء پشت‌محنة قتل‌های زنجره‌ای در اختیار خبرنگاران و مطبوعات جهان قرار داده است.

این فیلم در فرمات دی‌وی‌دی از داخل کشور به دست ما رسیده و ما در چهارچوب همکاری با نهادهای بین‌المللی، آنرا در اختیار "اتحادیه بین‌المللی خبرنگاران" قرار داده‌ایم. این فیلم پایه حقوقی محکمی را در جهت افشای صحنه‌سازی‌های دستگاه‌های امنیتی برای وارونه ساختن مسئولیت قتل‌های زنجره‌ای و انتصاب آن به «اسیا» و «موساد» (آمریکا و اسرائیل)، یعنی دفاع از نظریه خامنه‌ای (ولی فقیه) و از زیر ضرب خارج کردن آمربین و عاملین اصلی، توسط بازجویان سازمان امنیت رژیم اسلامی را به دست می‌دهد.

در این رابطه، مسئول اتحادیه، «John C. Foster» با دعوت از سخنگوی تریبونال بین‌المللی به لندن، سازماندهی میزگرد مطبوعاتی را برای روز دوشنبه، ۲۱ ژانویه ۲۰۰۲، ساعت ۱۲ در محل دفتر اتحادیه به عهده گرفت.

تریبونال بین‌المللی در شرایطی به برپایی این جلسه مطبوعاتی جهت اطلاع وسایل ارتباط جمعی جهان می‌پردازد که ۲۳ سال از حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی می‌گذرد، رژیمی که از ابتدای قدرت‌یابی تاکنون، به سرکوب، کشتار دسته جمعی دگراندیشان، مخالفان سیاسی خود، کارگران، زنان، فعالین سازمانهای سیاسی، اقلیت‌های ملی (کشتار خلق عرب، کرد، ترکمن، ...) و مذهبی، (بهائیان و ایجاد محدودیت بر دیگر اقلیت‌های مذهبی)، و جنسی، (سرکوب همجنس‌گرایان)، دانشجویان و روشنفکران مترقی دست‌زده است.

رژیم جمهوری اسلامی، یک حکومت مذهبی و قرون‌وسطایی‌ست و قوانین جزایی آن (قصاص، تعزیر، مثله کشیدن، مجرم، سنگسار، اصل خون‌بها، ...) اثبات‌گر این ادعا هستند که این نظام جز مرگ و سرکوب شدن، حتی برای شهروندان خود برسمیت نمی‌شناسد.

ما در کنار اتحادیه بین‌المللی خبرنگاران - بریتانیا، در حالی به پای میزگرد مطبوعاتی می‌رویم که رژیم ایران، همچون ۲۳ سال گذشته به نقض ابتدایی‌ترین حقوق شهروندان خود مشغول است. از آواره ساختن میلیون‌ها شهروند و نقض حقوق کودکان و زنان گرفته تا دستگیری و کشتار روشنفکران و نویسندگان